

بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه

محمدرضا ستوده‌نیا^{۱*}، زهرا محققیان^{۲*}

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

bayanelm@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

z.mohaghegh89@yahoo.com

چکیده

امروزه یکی از رویکردهای مهم در پژوهش‌های مربوط به علم نشانه‌شناسی، مطالعات بینامتنی است که یادآور تعامل متون با یکدیگر است. این نوع پژوهش‌ها با کشف و تحلیل نشانه‌های رابط میان متون، به درک بهتر متن و خوانش نو از آن، کمک می‌کند. پژوهش حاضر درصدد شناخت و تحلیل چگونگی و میزان تأثیر قرآن کریم بر لفظ و محتوای ادعیه صحیفه امام سجاده (ع)، یکی از میراث‌های ارزشمند شیعه، است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است؛ به همین دلیل پس از ارائه مباحث نظری، عملیات بینامتنی صحیفه با قرآن کریم که متن غایب در نظر گرفته شده، تحلیل و بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این تعامل، بیشتر به صورت نفی متوازی و نفی جزئی است و در نمونه‌های اندکی، نفی کلی به کار رفته است. بنابراین پیوندی ناگسستنی میان سخنان امام و قرآن کریم وجود دارد و امام (ع)، علاوه بر الفاظ قرآن کریم، ضمن تعاملی آگاهانه، از محتوای آیات نیز بهره‌های فراوان برده‌اند.

واژه‌های کلیدی

امام سجاده (ع)، بینامتنی، تناص، صحیفه سجادیه، قرآن، نشانه‌شناسی.

مقدمه

امروزه رشد دانش‌های بسیار همچون فلسفه زبان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و... می‌تواند راه جدیدی در مطالعات دینی بگشاید و عالمان دین را در فهم کتاب و سنت یاری رساند. متأسفانه این دانش‌ها هنوز در میان مسلمانان و حوزه مطالعات دینی جایگاه درخور خویش را نیافته‌اند. علم نشانه‌شناسی از جمله این دانش‌ها و بلکه مهم‌ترین آن‌هاست؛ زیرا ابزاری توانمند در تحلیل نشانه‌های زبانی در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

یکی از مباحث مطرح در علم نشانه‌شناسی، نظریه بینامتنی^۱ است (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۳۰۸) که یولیا کریستوا^۲ (ت ۱۹۴۱م) سهم بزرگی در آن دارد. افرادی چون سوسور^۳ (ت ۱۸۵۷م)، نشانه‌شناس مشهور و میکائیل باختین^۴ (۱۸۹۵-۱۹۷۵م) نیز، در پیدایش آن تأثیرگذار بوده‌اند. به‌طورکل بینامتنیت^۵ نحوه حضور یک متن در متن دیگر را بررسی می‌کند و با حذف مفاهیمی چون مؤلف، تاریخ و جامعه، متن را مستقل، ولی وابسته به متون دیگر در نظر می‌گیرد. براساس نظریه بینامتنی، هر متن بر پایه متونی که پیش‌تر خوانده‌ایم، معنا می‌دهد و بر رمزگانیاستوار است که پیش‌تر شناخته‌ایم. به این معنا هیچ نویسنده‌ای، خلاق به تمام معنا نیست و تقلید می‌کند (احمدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۲۷).

البته با تأملی اندک در آثار پیشینیان درمی‌یابیم که این نوع مطالعات در متون کهن نیز درخور پیگیری است و شباهت‌های بسیار بین موضوعات نقد معاصر غرب و علم نقد قدیم عرب می‌توان یافت. نمونه‌هایی از آن عبارتند از: اقتباس، تضمین و تلمیح. نهج‌البلاغه امام‌علی (ع)، صحیفه منسوب به هر یک از ائمه علیهم‌السلام و نیز دیوان‌های شاعران مسلمان از همان صدر اسلام، سرشار از عبارات قرآنی است.

بینامتنی قرآنی گاه به‌صورت آشکار و گاه به شکل پنهان، گاهی هماهنگ با متن قرآن و گاهی نیز مخالف با آن جلوه‌گر می‌شود. با بررسی متون ادعیه امام سجاد (ع)، که یکی از متون عرفانی است، می‌توان دریافت که ایشان نیز، از مضامین و واژه‌های قرآنی بسیاری سود جسته و به این وسیله، جایگاه ویژه‌ای در این عرصه به آیات قرآن اختصاص داده است. کارکرد آیه‌های قرآنی در این دعاها، گاه به‌صورت اقتباس کامل و گاه به‌صورت جزئی، متغیر (اشاره‌ای) و مضمونی بوده است. در این نوشتار تلاش شده است انواع این رابطه‌ها بررسی و براساس نظریه بینامتنی تحلیل شود.

پیشینه بحث

بانوی پژوهشگر بلغاری، یولیا کریستوا در دهه ۱۹۶۰م، اصطلاح بینامتنیت را به کار برده است. این اصطلاح در زبان عربی با نام «التناص» یاد می‌شود و بعدها در آثار نشانه‌شناسانی چون رولاند بارت^۶، ریفاتر^۷، ژرار ژنت^۸ و فیلیپ سولرس^۹ آشکار شد و گسترش یافت. البته در این باره، میکائیل باختین^{۱۰} پیش از کریستوا، اقداماتی صورت داده بود؛ به‌همین دلیل بعضی از ناقدین معتقدند باختین، اولین کسی بود که درباره بینامتنیت سخن به‌میان آورد.

بینامتنیت نگرش نوینی را در زمینه رابطه عناصر کهکشان متن‌ها ارائه می‌دهد و به تعامل و جاذبه میان‌متنی می‌پردازد (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۱۰). درست است که در طول تاریخ همواره متن‌ها در یک ارتباط شبکه‌ای با یکدیگر خلق می‌شدند و همیشه متن‌های نوین برپایه متن‌های پیشین شکل می‌گرفتند و متن‌های گذشته خود را در آئینه متن‌های پسین باز می‌تاباندند؛ اما این موضوع هیچ‌گاه نظر محققان را

ادعیه صحیفه سجاده، یادگار گرانقدر امام سجاد(ع)، این گونه مطالعات را پیگیری کند و در جهت اثبات پیوند و تفکیک ناپذیری قرآن از عترت و هماهنگی آن دو با یکدیگر از نظر معنا و لفظ، بهره برد.

مفهوم‌شناسی واژگان

بینامتنیت

این اصطلاح به رابطه‌های گوناگونی اشاره دارد که متون را از لحاظ صورت و مضمون به هم پیوند می‌دهد. در حقیقت یکی از معایب دیدگاه سوسور و ساختارگرایان این بود که برای متن هویتی جدا و بسته در نظر می‌گرفتند و فقط به ساختار درونی آن، توجه می‌کردند. در مقابل پساساختارگرایان و کریستوا، مفهوم بینامتنیت را مطرح کردند (قائم‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۳۶). از نظر کریستوا، بینامتنیتی کاربرد آگاهانه متنی در متن دیگر، خواه به گونه‌ای کامل یا چنان‌پاره‌هایی (احمدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۲۰). کریستوا متون را در قالب دو محور می‌دید: یکی محور افقی که مؤلف و خواننده متن را به هم ارتباط می‌دهد و دیگر، محور عمودی که متن را به متون دیگر پیوند می‌دهد. کدها یا رمزگان‌های مشترک، این دو محور را با هم یکی می‌سازد (سجودی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶). از نظر او به جای اینکه توجه خود را به ساختار متون معطوف کنیم، باید نحوه شکل‌گیری ساختار را بررسی کنیم که این امر مستلزم جای دادن آن در کل متون قبلی و هم زمان است.

بدین ترتیب هر متنی خود را در پیوند با چندین متن قرار می‌دهد (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷). کسانی که قائل به موضوع بینامتنی هستند، نمی‌پذیرند که متن، دست‌آورد اصیل یک مؤلف باشد؛ بلکه در نظر آنان متن «فضایی چندبعدی است که در آن،

به‌طور جدی به خود جلب نکرده و حوزه مطالعات مستقلی را به خود اختصاص نداده و برای آن، واژه‌ای ابداع نشده بود. اما پس از آنکه کریستوا آن را ابداع کرد و سایرین آن را گسترش دادند، بسرعت جایگاه خود را پیدا کرد و در مقابل ساختارگرایی کلاسیک^{۱۱}، بسیاری از انتقادات وارد به متون را رفع کرد.

در اروپا و به‌طور کلی غرب، پایان نامه‌ها و رساله‌های بیشماری با رویکرد بینامتنی نوشته شده و گرایش‌های نوینی از آن برخاسته است. در ادبیات معاصر عرب نیز، تألیفات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است و نویسندگانی چون الغدومی، صبری ام، محمد خیر البقاعی، محمد بنیس، محمد عزّ و ... در این حوزه آثاری درخور تقدیر، بر جای گذاشته‌اند؛ اما مطالعات بینامتنی در ایران با تأخیر آغاز شد و هنوز دوران طفولیت خود را سپری می‌کند. در سال ۱۳۸۰ کتابی با عنوان بینامتنیت از گراهام آلن ترجمه شد که با وجود ابهام و روان‌نبودن ترجمه آن، هنوز مرجع بسیاری از پژوهندگان این عرصه است؛ با وجود تلاش‌ها و زحمات مترجم به دلیل کمبود مراجع و منابع فارسی در این موضوع، امکان خوانش‌های تطبیقی برای درک بهتر اثر از بین رفته است. تنها اثر تألیفی موجود، درآمدی بر بینامتنیت به قلم بهمن نامور مطلق است، که بازنویسی سخنرانی‌ها و مقالات متعدد اوست. همچنین نگارش مقالات مرتبط با بینامتنیت به زبان فارسی، به غنا و توسعه این موضوع در کشور افزوده است. از نمونه این مطالعات می‌توان به آثار برجسته‌ای پیرامون بینامتنیت اشعار عربی یا برخی متون دینی از جمله نهج البلاغه با قرآن کریم، اشاره کرد. در این نوشتار تلاش شده است که با کامل کردن پژوهش‌های گذشته و انجام پژوهشی جامع درباره بینامتنی قرآنی در عبارت‌ها و واژگان

نشانه‌ها می‌تواند به اشکال مختلف در نوشته او وجود داشته باشد.

ج) عملیات بینامتنی: کوچ لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر، عملیات بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. هر متنی، متون مختلفی را در خود جای داده و در شکل جدیدی آن‌ها را بازآفرینی کرده است؛ به گونه‌ای که از این متون، چیزی جز اشاراتی باقی نمانده که خواننده را به متن پنهان راهنمایی می‌کند. تشخیص این اشارات یعنی بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط موجود بین آن‌ها که با عملیات تناص یا بینامتنی انجام می‌گیرد. ارتباط بین دو متن حاضر و غایب یا صریح و آشکار است یا غیرصریح و پنهان. نویسنده گاه به‌طور کاملاً آگاهانه از متن غایب استفاده می‌کند و گاه ناآگاهانه و کاملاً اتفاقی از آن بهره‌مند می‌شود (قائمی و محقق، ۱۳۹۰، ص ۵۴).

در این پژوهش، متن قرآن به‌عنوان متن غایب و متن ادعیه صحیفه سجادیه به‌عنوان متن حاضر و روابط بینامتنی قرآن با صحیفه سجادیه به‌عنوان عملیات بینامتنی محسوب می‌شوند.

انواع نظریه بینامتنی

نظریه بینامتنی به انواع متعددی تقسیم شده و این تقسیم‌بندی‌ها براساس چگونگی و شکل کاربرد آن در متون مختلف، با هم متفاوت است. یولیا کریستوا مهم‌ترین تقسیم‌بندی این نظریه را انجام داده است. وی بینامتنی را به سه دسته اصلی «نفی کلی و نفی متوازی و نفی جزئی» تقسیم بندی کرده است (مسبوق، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۰۸) که در ادامه به شرح هریک پرداخته می‌شود:

تنوعی از نوشتارهایی که هیچ‌یک اصالت ندارند، در هم آمیخته و باهم مصادف می‌شوند. متن بافته‌ای از نقل قول‌های برگرفته از مراکز بی‌شمار فرهنگ است» (گراهام، ۱۳۸۰، ترجمه پیام‌یزدانبجو، ص ۲۲).
مطالعات سنتی در حوزه‌های هنری و ادبی، مهم‌ترین حوزه‌های نشانه‌ای، توانسته است فقط تعداد محدودی از این روابط را با عناوینی همچون نقل قول‌ها، سرقت‌ها، تلمیحات، تضمین، کلاژها و ... شناسایی کند. در مقابل، بخش گسترده روابط شبکه‌ای موجود در میان متن‌ها را نادیده گرفته است. بخش پنهان و خزنده ارتباط میان متنی، غالباً با چنین مطالعاتی درخور شناسایی نیست. این همان چیزی بود که نظریه‌پردازان نخستین بینامتنیت، آن را کشف کردند و بر این روابط پنهان و گسترده تأکید کردند.

ارکان بینامتنی

هر بینامتنی دارای سه رکن اساسی است: متن حاضر، متن پنهان و عملیات بینامتنی.

الف) متن حاضر^{۱۲}: اولین عنصر پدیده بینامتنی را می‌توان «متن حاضر» یا «متن اصلی» نامید. متن حاضر همان متنی است که پیش روی خواننده است و در تعامل با متون دیگر قرار گرفته و خواننده درصدد یافتن منشأ و مرجع این متن است.

ب) متن غایب^{۱۳}: در پدیده بینامتنی، هر متنی می‌تواند دارای یک یا چند سند مختلف باشد که برای فهم و تحلیل آن باید به آن اسناد ارجاع داد و این متن ارجاعی همان است که متن اصلی را تفسیر می‌کند. این سند و ارجاع در بینامتنی «متن غایب» نامیده می‌شود و بر طبق این نظریه، باعث تولید متن اصلی شده و وجود آن مدیون متن غایب است. بنابراین متن غایب همان متنی است که مؤلف یا شاعر در اثر خود، آثار و نشانه‌هایی از آن را نمایان می‌کند و این آثار و

تنظیم (هم‌نوایی) (کیوان، ۱۹۹۸م، ص ۲۲-۲۳)، یا بینامتنی آگاهانه و ناآگاهانه، بینامتنی تضاد و بینامتنی تناقض و بینامتنی تألف (هماهنگ) (مجاهد، ۲۰۰۶م، ص ۳۵۹). اما نوشتار حاضر بدلیل تناسب با متن صحیفه سجادیه و نیز رعایت گنجایش پژوهش، تنها از تقسیم‌بندی کریستوایعنی «نفی کلی و نفی متوازی و نفی جزئی» بهره برده و آن را در ادعیه امام سجاد(ع) بررسی و تحلیل کرده است.

صحیفه سجادیه

کتاب صحیفه سجادیه مجموعه دعاهایی است که امام زین العابدین علیه السلام انشا فرموده و امام محمد باقر علیه السلام، فرزند بزرگوارشان آن‌ها را نوشته‌اند. امام جعفر صادق علیه السلام نیز در مجلس حاضر بوده و آن‌ها را می‌شنیده است. این کتاب شامل پنجاه و چهار دعا پیرامون مباحث عرفانی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی است.

کتاب صحیفه سجادیه در میان علمای شیعه به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد(ص) ملقب گردیده است و همان‌طور که انجیل عیسی علیه السلام و زبور داود علیه السلام دو کتاب آسمانی حاوی علوم و حکم بوده‌اند، صحیفه هم علوم و حکمی را در بردارد که جهانیان را به سعادت و نیکبختی می‌رساند. در بسیاری از اجازات علمای امامیه نیز این کتاب را به اخت القرآن یعنی خواهر قرآن وصف کردند (در برابر نهج البلاغه که آن را «اخ القرآن» یعنی برادر قرآن گفته‌اند). امام سجاد(ع) در این کتاب، بسیاری از حقایق و علوم و معارف اسلامی را از راه دعا و درخواست از خداوند متعال به مردم جهان گوشزد می‌فرماید و خدا و رسول و امام را با برهانی که بر دو پایه عقل و علم استوار است به همگان معرفی می‌کند.

الف) نفی کلی: این نوع روابط، بالاترین درجه بینامتنی است که در آن مؤلف، با خوانشی آگاهانه و عمیق و تسلط بسیار بر متن پنهان، بخشی از آن را در متن خود می‌آورد و بازآفرینی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که گاهی این بازسازی مخالف معنای متن پنهان بوده و در بیشتر مواقع، معنای متن غایب با معنای متن حاضر متفاوت است. در نفی کلی، میزان زیادی از متن پنهان در متن حاضر بکار می‌رود؛ از این رو حامل بالاترین شکل تعامل با متن غایب است.

ب) نفی متوازی: در این نوع از روابط بینامتنی، متن پنهان، پذیرفته شده و به‌صورتی در متن حاضر به‌کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است. در واقع مؤلف، نوعی سازش میان متن پنهان و متن حاضر ایجاد کرده است. بنابراین در این شکل از روابط بینامتنی، معنای متن غایب در متن حاضر تغییر اساسی نمی‌کند. البته این بدان معنا نیست که معنای متن حاضر با معنای متن غایب متفاوت نباشد، بلکه می‌تواند با نوعی تغییر و تنوع چه در الفاظ و چه در کاربرد همراه باشد (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶).

ج) نفی جزئی: مؤلف در این نوع از روابط بینامتنی، جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد. از این رو متن برگرفته از متن غایب، می‌تواند یک جمله، یک عبارت و یا یک کلمه و مانند آن باشد (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶). بدین ترتیب واضح است که این نوع روابط به شکل سطحی‌تری نسبت به دو مورد قبلی انجام می‌شود. در چنین تعاملی، معنای الفاظ، موافق با متن غایب است.

البته به جز نمونه‌های فوق، اشکال دیگری از روابط بینامتنی نیز وجود دارد؛ اشکالی همانند: بینامتنی خارجی، بینامتنی داخلی و بینامتنی تکرار و

بینامتنی ترکیبی

در این نوع روابط بینامتنی، مؤلف بخشی از آیه یا کل آن را در ضمن گفتار خود در متن می‌آورد. البته این نوع از بینامتنیت، به دو گونه تقسیم می‌شود:

- نوع اول: عین متن قرآنی بدون هیچ گونه تغییری، چه در ظاهر الفاظ و چه در معنای آن‌ها، در متن حاضر به کار رفته است. این نوع از بینامتنیت به میزان بسیار زیاد و به‌طور چشمگیر، در ادعیه صحیفه سجاده آمده است، در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده می‌کنیم:

الف- (۱) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، وَمِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (ص ۱۹۲) یعنی: (خداوند! عبادات و اوقات ما را در باقی ماه‌ها و روزها تا زمانی که زنده می‌داری، همانند اوقات و احوالات ما در ماه رمضان قرار ده، همچنین ما را از زمره بندگان شایسته‌ها بگردان، کسانی که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند و نیز کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند، در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت).

الف- (۲) متن غایب (قرآن): «الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مومنون: ۱۱)؛ «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ* أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مومنون: ۶۱-۶۰).

الف- (۳) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام سجاد(ع) در دعای چهل و چهارم که به وقت

این کتاب خفتگان راه حق و حقیقت را بیدار کرده و اوصاف حسنه و اخلاق نیکو را، که سزاوار خردمندان است، می‌آموزد و چگونگی حاجت خواستن از خدای تعالی و دعاکردن در حق یکدیگر را یاد می‌دهد و همگان را به راه خداشناسی راهنمایی می‌کند.

پیرامون مضامین و مفاهیم والای این کتاب، تاکنون کتب و مقالات متعددی به نگارش درآمده؛ اما پیرامون بررسی الفاظ و سخنان امام چهارم شیعیان با استفاده از روش‌های نوین تحلیل متون، تاکنون پژوهش جدی انجام نگرفته است. به‌طور کلی نمایاندن ارزش ادبی و هنری این مناجات‌ها منوط به زیبایی‌شناسی عبارت‌های آن است که بخش زیادی از آن نیز، وامدار تسلط و بهره‌مندی امام از الفاظ و مفاهیم قرآن کریم است. اهمیت این موضوع تا بدان حد است که این کتاب، در میان علمای شیعه به قرآن صاعد معروف است. بنابراین به نظر می‌رسد کشف میزان و چگونگی تأثیر و بهره‌گیری امام از الفاظ و معانی آیات قرآن، با استفاده از دستاوردهای زبان‌شناسی جدید از جمله علم نشانه‌شناسی و مطالعات بینامتنی یکی از ضروریات امروز است. امید است پژوهش حاضر راه را برای پژوهش‌های آتی در این حوزه بگشاید.

بینامتنیت قرآن با صحیفه سجاده

ادعیه صحیفه سجاده به گونه‌های مختلف با آیات قرآن کریم ارتباط دارند. در این قسمت هریک از این گونه‌ها بررسی و به ذکر سه نمونه در هریک اکتفا شده است.

خداوند است، ابتدا از نحوه خلقت انسان و چگونگی زندگی او در دنیا سخن گفته و در نهایت به پایان عمر انسان در دنیا اشاره کرده است و اینکه هریک از افراد بشر، پس از پایان مدت عمر خویش در این دنیا، به واسطه مرگ، باید به سرای باقی کوچ کنند تا در آنجا به پاداش اعمال خویش یا جزای کردارهایش برسند. این قسمت نیز همانند بخش قبل، امام(ع) از آیه قرآن، دقیقاً با همان معنا و لفظ، در تأیید و تحکیم قول خویش بهره برده‌اند. بنابراین رابطه دو متن، از نوع نفی جزئی است.

ج-۱) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ فَاتْلُوا الْآبَاءَ وَالْأَبْنََاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ، وَانْتَصِرُوا بِهِ. وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ» (ص ۴۲) یعنی: (خدایا، «درود فرست» بر اصحاب محمد(ص)، مخصوصاً آنان که با پدران و فرزندان خود برابری نبتش نبرد کردند و به برکت وجود او، در آن نبردها پیروز شدند و آنان که در عمق دل‌هایشان، مهر او را می‌پروردند و در عشق به او به تجارتی امید داشتند که کسادی و ضرری در آن راه نداشت).

ج-۲) متن غایب(قرآن): «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ * إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» (فاطر: ۲۹-۲۸) یعنی: (در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد).

ج-۳) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام(ع) در دعای خویش برای ایمان آوردندگان به انبیا و

فرارسیدن ماه رمضان از ایشان بیان شده است، از خداوند، قرارگرفتن در زمره صالحان و مؤمنان حقیقی را می‌خواهد. آن‌هایی که مطمئن به پذیرش اعمال نیک خود و بخشش گناهان خویش نیستند، همه آنچه را باید ادا کنند ادا می‌کنند و باز هم دل‌هایشان از تقصیر و کوتاهی در خدمت و طاعت ترسان است؛ پس همیشه در کار خیر و بلکه در شتافتن در آن هستند. به همین دلیل امام(ع)، در ادامه ماه مبارک رمضان و جهت استمرار فیوضات و رحمت‌های الهی در سایر ماه‌ها، از خداوند درخواست پیوستن به این گروه را می‌کند. چنان‌که پیداست امام(ع) جزئی از متن غایب را، دقیقاً با همان لفظ و معنا در متن خود آورده، بنابراین رابطه دو متن، از نوع نفی جزئی است.

ب-۱) متن حاضر (صحیفه): «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَفْصَى أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حَسَابَ عُمْرِهِ، قَبِضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورٍ عِقَابِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (ص ۲۹) یعنی (تا چون به آخر آن رسید و پیمانانه زمانش لبریز شد، جانش را می‌گیرد و او را به‌سوی آنچه بدان فراخوانده از ثواب بسیاریا عذاب دردناک راهی می‌کند، تا از پی عدالت خود بدکاران را به‌کردار بدشان و نیکوکاران را به عمل صالحشان جزا دهد).

ب-۲) متن غایب(قرآن): «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (نجم: ۳۱) یعنی: (و هرچه در آسمان‌ها و هرچه در زمین است از آن خداست، تا کسانی را که بد کرده‌اند، به [سزای] آنچه انجام داده‌اند کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده‌اند، به نیکی پاداش دهد).

ب-۳) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام(ع) در دعای اول صحیفه خویش، که پیرامون ستایش

پیروان ایشان، به‌طور مخصوص برای پیروان پیامبرخاتم(ص) دعا کرده است. کسانی که برای حمایت ایشان و نصرت و تقویت پایه‌های اسلام، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. تنها امید و دلگرمی آن‌ها، مهر و محبت پیامبر بود و به امید تجارتی پایدار و مطمئن در مودت و دوستی با او، ثابت قدم ماندند. آیه قرآن نیز، در جهت بیان سیمای علمای واقعی و دانشمندان حقیقی است و بخشی از ویژگی‌ها و توصیفات ایشان را بیان می‌دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۴۳-۴۲). چنانکه پیداست امام(ع) تنها برای این دسته از پیروان پیامبر(ص) که از علما و اندیشمندان واقعی هستند دعا می‌کند. از این رو متن پنهان (قرآن)، در متن حاضر (صحیفه سجادیه) پذیرفته شده و به‌صورتی بکار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است، یعنی امام(ع) از توصیف مذکور در آیه، به‌منظور توصیف‌یاران واقعی پیامبر(ص) بهره برده‌اند. بنابراین، رابطه دو متن، از نوع نفی متوازی است.

- نوع دوم: در نوع دوم بینامتنیت ترکیبی، مؤلف، آیات قرآن را با اندک تغییری در ساختار صرفی یا نحوی آن، در کلام خود به کار می‌برد. بدین ترتیب به اشکال گوناگون، در ساختار آیه دخل و تصرف می‌کند. گاه با افزودن و گاه با کاستن، برخی اوقات با تغییر و برخی اوقات با تأخیر. بخشی از بینامتنیت قرآن با ادعیه صحیفه سجادیه، از این دست است که حضرت، با ایجاد تغییرهایی در ساختار آیات قرآن، آن‌ها را به سبک خود در ادعیه‌اش به کار گرفته است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف-۱) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَّا» (ص ۸۸) یعنی (خداوند! آنچه را (شیطان) گره زد، بگشای).

الف -۲) متن غایب(قرآن): «اذْهَبْ إِلَيَّ فَرَعُونَ إِنَّهُ طَغَى * قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي» (طه: ۲۸-۲۴) یعنی: (موسی گفت: «پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان، و کارم را برایم آسان ساز، و از زبانم گره بگشای، [تا] سخنم را بفهمند).

الف -۳) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام(ع) در دعای خویش هنگام پناه بردن به خداوند برای محفوظ ماندن از کید و حيله‌های شیطان، از دعای حضرت موسی(ع) در قرآن کریم بهره برده، زمانی که موسی(ع) از جانب خداوند مأمور شد تا فرعون و درباریان‌ش را به یکتاپرستی دعوت کند. در آن هنگام نیز موسی(ع) به درگاه خدا دعا کرد که علاوه بر شرح صدر و آسان شدن کارها، زبان‌ش را از تکلف بگشاید و ساده‌گویی و بیان روان را برایش میسر کند. در متن حاضر نیز، امام سجاده(ع)، عبارت فوق را در مکرهای شیطان به کار برده و از خداوند درخواست بازکردن گره‌های او و خنثی کردن مکرهایش را کرده است. بدین ترتیب، رابطه متن حاضر با متن پنهان، از نوع نفی کلی است که بالاترین درجه بینامتنیت محسوب می‌شود؛ زیرا کلام امام(ع) در معنایی دیگر بکار رفته (البته نه در معنایی متضاد با قرآن) و امام آن را در معنای مد نظر خود، بازآفرینی کرده است.

ب-۱) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءِ مِهْنٍ ابْتَدَأْتَنَا» (ص ۵۸) یعنی: (خداوند ما را از مایه ضعف و ناتوانی بوجود آورده‌ای و اساس آفرینش ما را بر سستی نهاده‌ای و آغاز ما را از آبی ناچیز بنا گذاشته‌ای).

ب-۲) متن غایب(قرآن): «الْمُ نَخَلَقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ * فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» (مرسلات: ۲۱-۲۰)

ج-۳) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام(ع) در ابتدای دعای توبه و بازگشت به سوی خداوند، یکی از صفات خداوند را ضایع نکردن اجر نیکوکاران، برشمرده است و از این طریق، سعی در جلب رحمت و الطاف الهی دارند؛ زیرا تباه کردن پاداش یا از ناتوانی، یا از نادانی و یا از بخل است در حالی که خداوند سبحان، از تمامی این صفات منزّه و مبری است. بدین ترتیب با اضافه کردن واژه «لدیه» در این بخش از آیه و تغییر فعل «يُضِيعُ» از ثلاثی مزید (باب افعال) به ثلاثی مجرد، و نیز انصراف اعراب آخر واژه «اجر» از فتحه به ضمه، از آیه فوق بهره برده‌اند. بنابراین، ارتباط دو متن، از نوع نفی متوازی است.

بینامتنی واژگانی

بینامتنی واژگانی، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های بینامتنی با قرآن کریم است و منظور از آن، اقتباس واژگانی است که از طریق ظاهر یا معنا در متن نویسنده آشکار می‌شود. قرآن، منبع و سرچشمه‌ای غنی است که امام سجاد(ع) واژگان، تصاویر، معانی و مضامین والای ادعیه خویش را از آن الهام گرفته است. در این قسمت به صورت مختصر، نمونه‌هایی از حضور واژگان قرآنی در ادعیه صحیفه سجادیه را ذکر می‌کنیم:

الف) متن حاضر (صحیفه): «نَجِّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَّةِ» (ص ۱۸۰) یعنی: (از هرگونه اندوه روز قیامت و دشواری ترس‌های آن روز سخت، نجاتمان ده).

الف) متن غایب (قرآن): «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى» (نازعات: ۳۴) یعنی: (پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ در رسد).

یعنی: (مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟ پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم).

ب-۳) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام(ع) در دعای نهم خویش، اشتیاق به مغفرت و آمرزش را مطرح کرده و برای نمایان ساختن شدت ضعف انسان و نیاز بسیار زیاد او به رحمت و الطاف الهی، خلقت اولیه آدمی را بیان کرده؛ برای این منظور از آیه فوق بهره برده و به ماده اولیه انسان، اشاره کرده است. چنان‌که پیداست امام(ع)، در متن حاضر، به جای فعل مضارع «نَخْلُقُكُمْ» که در آیه قرآن ذکر شده است از فعل ماضی «أَبْتَدَأْتَنَا» بهره برده و تغییرات اندکی نیز در چینش کلمات انجام داده‌اند. بنابراین، ارتباط دو متن، از نوع نفی متوازی است. همچنین در عبارت ابتدایی دعا نیز، امام(ع) از آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ» (روم/۵۴)، البته با اندکی تغییر در ساختار صرفی و نحوی، همانند قسمت قبل، به صورت نفی متوازی، بهره برده که مصداق این ضعف، دوران اول طفولیت است، هر چند که ممکن است بر نطفه هم صادق باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۰۴). همچنین با توجه به اعراب کلمه (الضُّعْفُ) در کلام امام و نیز قرائت عاصم و حمزه که این واژه را در آیه، به صورت «ضُعْفُ» با ضم ضاد خوانده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۸۴)، می‌توان بدین نکته رسید که خوانش امام، مطابق با این قرائت انجام شده است.

ج-۱) متن حاضر (صحیفه): «يَا مَنْ لَا يُضِيعُ لَدِيهِ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (ص ۱۳۸) یعنی: (ای خدایی که پاداش نیکوکاران در نزد تو ضایع نگردد).

ج-۲) متن غایب (قرآن): «قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰).

اصلاح می‌کند می‌دانی، پس نسبت به خواسته‌هایم به دیده رحمت بنگر).

(ج) متن غایب (قرآن): «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا» (مریم: ۴۷) یعنی: [ابراهیم] گفت: «درود بر تو باد، به زودی از پروردگارت برای تو آمرزش می‌خواهم، زیرا او همواره نسبت به من پرمهر بوده است».

(ج) عملیات بینامتنی: امام (ع) واژه «حَفِيًّا» را از متن قرآنی الهام گرفته است. در متن غایب، حضرت ابراهیم (ع)، در برابر تمامی تهدیدها و مخالفت‌های عمومی خویش، از خداوند برای او درخواست بخشش کرده است و با وجود تمامی بی‌مهری‌های عمویش، خداوند را همچنان پر از مهر و محبت معرفی می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۶۰-۵۹). امام سجاده (ع) نیز در دعای بیست و دوم خویش که به هنگام آشکارشدن سختی‌های زندگی قرائت شده، از خداوند مهربانی و رحمت نسبت به خواسته‌هایشان را درخواست کرده و بدین منظور، همانند حضرت ابراهیم (ع) از صفت «حَفِيًّا» برای خداوند استفاده کرده و بدان تمسک کرده‌اند (فیض الاسلام، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲). بنابراین امام (ع) واژه فوق را با همان معنا و مفهوم در سخن حضرت ابراهیم (ع)، در کلام خود نیز به کار برده‌اند. بنابراین بینامتنیت از نوع نفی جزئی است.

بینامتنی مضمونی

در گونه‌های پیشین، حضور متن غایب در متن حاضر، کم و بیش با محوریت لفظ بود؛ اما در اینگونه از روابط بینامتنی، نویسنده‌ها گوینده با الهام گرفتن از آیه قرآن، پس از دریافت مضمون آن، مفهوم آیه را با الفاظ و تعبیرهای خود بیان می‌کند؛ به گونه‌ای که

الف) عملیات بینامتنی: در متن حاضر، امام (ع) در دعای چهل و دوم خویش که به هنگام ختم قرآن، خوانده شده است، به واسطه شفاعت قرآن، درخواست نجات از مواقف مختلف قیامت و سختی‌های آن را، کرده‌اند. واژه «الطامه» در متن حاضر با الهام‌گیری از متن پنهان، به معنای روز قیامت به کار رفته است؛ همانگونه که آیه فوق به همراه سیاق آن، از احوال چنین روزی سخن می‌گوید. چنانکه پیداست این نوع بینامتنیت، از نوع نفی جزئی است زیرا دقیقاً با همان لفظ و معنا در متن حاضر به کار رفته است.

ب) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ مَهِيْمًا عَلَيَّ كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ» (ص ۱۷۴) یعنی: (خداوندا تو مرا بر به پایان رساندن تلاوت کتابت که روشنگر راه حیاتش نازل کردی، یاری دادی و آن را بر هر کتاب نازل شده از جانب خود).

ب) متن غایب (قرآن): «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده: ۴۸) یعنی: (و ما این کتاب [قرآن] را بحق به‌سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست).

ب) عملیات بینامتنی: در عبارت فوق نیز، که دعای چهل و دوم امام بوده و بعد از ختم قرآن، خوانده شده است، امام (ع) صفت مهیمن را برای قرآن به کار برده و با الهام آن از متن قرآن، عیناً آن را با همان لفظ و معنا در متن دعای خویش استعمال کرده‌اند و از این رهگذر، بینامتنیتی از نوع نفی جزئی خلق شده است.

ج) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْ مَا يُصَلِّحُنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا» (ص ۱۱۰) یعنی: (خداوندا تو آنچه که دنیا و آخرت را

(ب) متن غایب (قرآن): «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (شوری: ۲۷) یعنی: (و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین عصیان می‌کنند، ولی آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرومی‌فرستد. به راستی که او به [حال] بندگانش آگاه بیناست).

(ب) عملیات بینامتنی: مطالعه در حال انسان‌ها گواه صادق این واقعیت است که وقتی دنیا به آن‌ها روی می‌آورد و صاحب زندگی مرفه می‌شوند و مسیر حوادث بر وفق مراد آن‌ها است، دیگر خدا را بنده نیستند، به سرعت از او فاصله می‌گیرند، در دریای شهوت‌ها غرق می‌شوند، و آنچه ناگفتنی است آن می‌کنند، و هرگونه ظلم و ستم و فساد را در زمین گسترش می‌دهند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۶). امام سجاده (ع) این مضمون را به زیبایی در کلام خود به کار گرفته و از آن در راستای هدف مورد نظر خود، بدون تغییر جوهره آن بهره برده است. بنابراین، رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، از نوع نفی متوازی است.

(ج) متن حاضر (صحیفه): «وَأَذَابَ نَفْسِهِ فِي تَبْلِيغِ رِسَالَتِكَ» (ص ۳۵) یعنی: (جانش را در رساندن پیام تو خسته کرد).

(ج) متن غایب (قرآن): «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (ص ۴۱) یعنی: (قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی) یا «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعرا: ۳) یعنی: (شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه سازی) و ...

(ج) عملیات بینامتنی: پیامبر اسلام (ص) در راه تبلیغ و ترویج اسلام رنج‌های بسیاری را تحمل کرد و این امر بر هیچ‌کس پوشیده نیست. این مطلب در

خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح را از قرآن نمی‌بیند. در اینجا، نمونه‌هایی را از این گونه بینامتنیت ذکر می‌کنیم:

(الف) متن حاضر (صحیفه): «قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتِ: مَنْ وَحَدَكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ» (ص ۲۵۴) یعنی: (تمام آفریدگانت را محکوم به مرگ کرده‌ای، چه آنکه اهل توحید بوده و چه آنکه به کفر گرائیده).
(الف) متن غایب (قرآن): «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: ۵۷) یعنی: (هر نفسی چشنده مرگ است، آنگاه به سوی ما بازگردانیده خواهید شد).

(الف) عملیات بینامتنی: در کلام امام (ع) که در ابتدای دعای پنجاه و دوم ایشان و با موضوع اصرار در طلب در پیشگاه الهی، بیان شده است، امام (ع) تمامی بندگان را یکسره تحت سیطره و قدرت الهی معرفی کرده‌اند، که هیچ کس نمی‌تواند از سلطه قدرت و دایره سلطنت او خارج شود. تمامی انسان‌ها به سوی او باز خواهند گشت و همگی طعم مرگ را خواهند چشید؛ چه مومن و موحد باشند و چه مشرک و گریزان از او (ملاباشی الشیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۵۶). در این فراز از دعا، امام (ع) از آیه قرآن بهره برده و به همگانی بودن مرگ اشاره کرده و بدین ترتیب بینامتنیت‌یاز نوع نفی متوازی خلق کرده‌اند.

(ب) متن حاضر (صحیفه): «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ ... وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ» (ص ۳۱) یعنی: (سپاس خدایی را که اگر ... بندگانش در روزی او فراخی می‌یافتند، شکر نمی‌کردند و اگر چنین می‌بودند؛ از حدود انسانیت خارج می‌شدند به مرز حیوانیت می‌رسیدند).

شخصیت‌ها از طرف امام، آن هم پس از شهادت پدر بزرگوارشان و آگاهی از شرایط سیاسی جامعه بی هدف نبوده است. در اینجا، نمونه‌هایی را از آن ذکر می‌کنیم:

الف) متن حاضر (صحیفه): «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَّيَّبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأُمْرِكِ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ، وَخَلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادَكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بَارِئاً بِرَأْدَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ» (ص ۲۱۷) یعنی: (خداوندا درود بفرست بر پاکیزه‌تران از اهل بیت او (پیامبر) که ایشان را برای اجرای فرمان خود انتخاب کرده‌ای، و آنان را گنجینه‌داران علم و حافظان دین و خلفای خود در زمین و حجت‌های خویش بر بندگانت قرار داده‌ای و به اراده خود، ایشان را از پلیدی به تمام معنا پاک کرده‌ای، و آنان را وسیله‌ای به سوی خودت و راه بهشت قرار داده‌ای).

الف) متن غایب (قرآن): «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَكُمُ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳) یعنی: (خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند).

الف) عملیات بینامتنی: چنان‌که پیداست امام سجاد(ع) در دعای روز عرفه، که محل گردآمدن احزاب و طبقات سیاسی مختلف در مراسم حج است، با ذکر نام اهل بیت پیامبر(ص) به مقام والا و برجسته خاندان خود اشاره کرده است و از این طریق می‌کوشد تا نام ایشان و جایگاه والایشان در نزد خداوند را زنده کند. کلمه «اهل البیت» در قرآن کریم، تنها در آیه فوق به کار رفته است که از نظر تمام مفسران شیعه و اهل سنت، اشاره به اهل بیت پیامبر

آیات بسیاری از قرآن تکرار شده است. امام(ع) نیز، در دعای دوم، هنگام درود و ستایش بر جد بزرگوار خویش، به ذکر گوشه‌ای از زحمات و رنج‌های ایشان پرداخته است و از سختی‌هایی که در راه ابلاغ رسالت و پیام الهی متحمل شدند، پرده بر می‌دارند. همانگونه که مشخص است امام سجاد(ع) با تغییر الفاظ آیه و بهره‌مندی از مفهوم و مضمون اصلی آن، بینامتنیتی از نوع نفی متوازی را رقم زده‌اند.

بینامتنی شخصیت‌های قرآنی

نوع دیگری از بینامتنیت، کاربرد شخصیت‌های قرآنی است که امام سجاد(ع) در ادعیه خویش از آن‌ها استفاده کرده است. برخی، این نوع از بینامتنیت را با عنوان «ارجاع متن به شناخته‌ها» نام می‌برند و معتقدند: ارجاع متن به شناخته‌ها زمانی رخ می‌دهد که متنی، به فرد، مکان یا رخدادی خاص اشاره کند؛ به ویژه اگر آن فرد، مکان یا رخداد معروف باشند. در اینجا اشاره به آن فرد، مکان یا رخداد سبب فعال شدن دانش دایره المعارفی خواننده در خوانش می‌شود. در ادعیه صحیفه سجادیه نیز، شخصیت‌های قرآنی برگرفته از آیات، حضور دارند. پردازش این شخصیت‌ها در دعاهای امام سجاد(ع) به گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: شخصیت‌های مثبت و شخصیت‌های منفی. در قرآن، الگوسازی با شخصیت‌های مثبت، یکی از راهکارهای رشد شخصیت انسان ارائه شده و در زمینه الگوپذیری از شخصیت‌های منفی هشدار داده شده است. از جمله شخصیت‌های مثبتی که امام(ع) در کلام خویش از آن‌ها نام برده است: پیامبران الهی، ملائکه و ائمه(ع) هستند و البته پرداختن به این

حتی یکی از ادعیه امام، به نام او و برای پناه بردن از شرّ وسوسه‌ها و مکرهای اوست:

الف) متن حاضر (صحیفه): «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ وَمَكَايِدِهِ» (ص ۸۶) یعنی: (خداوند! به تو پناه می‌بریم از فتنه‌انگیزی‌های شیطان رانده شده و از حيله و مکرهای گوناگونش).

الف) متن غایب (قرآن): «وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (اعراف: ۲۰۰) یعنی: (و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد، به خدا پناه بر، زیرا که او شنوای داناست).

الف) عملیات بینامتنی: شیطان از جمله شخصیت‌های منفی قرآنی است که نامش در آیات متعددی همانند آیه فوق تکرار شده است. دعای امام در دعای هفدهم صحیفه سجادیه، یادآور ترفندها و مکرهای شیطان است که بارها خداوند در قرآن کریم آن را بیان کرده است؛ بنابراین امام سجاده (ع) با ذکر مستقیم نام شیطان، در اینجا نیز، بینامتنیتی از نوع نفی جزئی را رقم زده‌اند.

نتیجه

از بررسی روابط بینامتنی صحیفه سجادیه با آیات قرآن کریم چنین بدست آمد که امام سجاده (ع) در متون ادعیه خویش از آیات قرآن بسیار بهره برده‌اند و با انواع روابط بینامتنی چون: بینامتنی ترکیبی، واژگانی، مضمونی و آوایی و نیز بینامتنیت شخصیت‌های قرآنی، میان متن خود و قرآن کریم تعامل ایجاد کرده‌اند. البته بیشتر این تعاملات، آگاهانه و به صورت نفی متوازی است، یعنی امام (ع) آیات قرآن را به صورتی به کار برده‌اند که جوهره آن تغییر نکرده است. همچنین مطابق یافته‌های پژوهش، بینامتنیت ترکیبی و مضمونی پرکاربردترین نوع

(ص) دارد؛ اما با توجه به کلمه حصر «إِنَّمَا»، مراد از «أَهْلَ الْبَيْتِ» همه‌ی خاندان پیامبر نیست، بلکه برخی افراد آن است که نامشان در روایات شیعه و سنّی آمده است. این گروه عبارتند از: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام (طباطبائی، ۱۷، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۶۶۴-۶۶۲). بنابراین امام (ع) با بهره‌مندی از آیه قرآن، بینامتنیتی از نوع نفی متوازی را در کلام خویش اجرا کرده‌اند.

ب) متن حاضر (صحیفه): «وَمِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَالْمَكَانَ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ. وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلِيَّ وَحَيْكَ، الْأَمْطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ» (ص ۳۶) یعنی: (بار خدایا، درود بفرست بر میکائیل، آن فرشته‌ای که در نزد تو مقامی ارجمند و در فرمانبرداری تو جایگاه والا دارد و بار خدایا، درود بفرست بر جبرئیل، آن فرشته‌ای که امین وحی توست و ساکنان آسمان‌هایت را فرمانبردار است و در آستان تو مرتبتی بزرگ دارد و خود مقرب درگاه توست).

ب) متن غایب (قرآن): «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ» (بقره: ۹۸) یعنی: (هر که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل است [بدانکه] خدا یقیناً دشمن کافران است).

ب) عملیات بینامتنی: متن حاضر، که دعای سوم امام سجاده (ع) و در مدح و درود بر ملائکه و حاملان عرش است، اسما ملائکه مقرب الهی که در قرآن ذکر شده‌اند، را در ذهن تداعی و آیات پیرامون آن‌ها را بازآفرینی می‌کند. پس رابطه دو متن، از نوع نفی جزئی است.

اما از شخصیت‌های منفی ذکر شده در صحیفه امام سجاده (ع) می‌توان به ابلیس (شیطان) اشاره کرد؛

۱۱. براساس نظریه ساختارگرایی کلاسیک، متن پدیده‌ای خود بسنده و بسته فرض می‌شود که تنها باید با کمک عناصر و عوامل درون متنی خوانش شود. همچنین مؤلف، وضعیت زمانی، مکانی و فرهنگی اهمیت ندارد و احساس نمی‌شود که دنیای درون متنی با غیر آن مطالعه شود (نامور مطلق، ۱۳۹۰، ۱۴-۱۰).

12. Phenotext

13. Genotext

بینامتنیت در صحیفه سجاده معرفتی می‌شود و دشواری‌ترین گونه بینامتنیت نیز، بینامتنیت مضمونی است که به دلیل عدم حضور لفظی محسوس یا ذکر صریح از آیات قرآن، خواننده نیازمند تعمق بسیار و احاطه وسیع بر معارف قرآنی است. شاید بتوان گفت یکی از دلایل ماندگاری و دلپذیر بودن ادعیه صحیفه سجاده نیز، همین بهره‌مندی و وام‌گیری متعدد آن از معارف عمیق و عرفانی قرآن کریم است.

به‌طور کل انواع روابط بینامتنی موجود میان متن صحیفه سجاده و متن قرآن کریم در نمودار زیر خلاصه می‌شود:

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
۳. البقاعی، محمدخیر (۱۹۹۸م)، دراسات فی النص و التناسیه، حلب: مرکز إلماء الحضاری.
۴. الزعبی، احمد (۲۰۰۰م)، التناس نظریا و تطبیقا، عمان: موسسه عمان للشر.
۵. امین مقدسی، ابوالحسن و خلف و حسن و همایونی، سعدالله (۱۳۸۹)، روابط بینامتنی نهج البلاغه با آثار امین‌الریحانی، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱، صص ۲۴-۵.
۶. انصاریان، حسین (۱۳۷۸)، ترجمه صحیفه کامله سجاده، تهران: پیام آزادی.
۷. خراسانی سبزواری، ابراهیم (۱۳۹۱)، شرح صحیفه سجاده، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان.
۸. سجودی، فرزانه (۱۳۸۳)، نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: قصه، چاپ دوم.
۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.



نمودار انواع روابط بینامتنی موجود میان متن صحیفه سجاده و متن قرآن کریم

پی‌نوشت

1. Intertextuality
۲. Julia Kristeva: در اکثر متون، با خوانش فرانسوی ژولیا شناخته شده و در برخی نیز با خوانش انگلیسی - آمریکایی جولیا آمده است اما در پژوهش حاضر با خوانش اصلی در اروپای شرقی یعنی یولیا کریستوا نوشته شده است.
3. Ferdinand de Saussure
4. Mikhail Bakhtine
5. Intertextualite
6. Ronald Barthes
7. Riffaterre
8. Gérard Genette
9. Philippe Sollers
10. Mikhail Bakhtin

۱۰. فهری زنجانی، احمد (۱۳۷۵)، شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، قم: اسوه.
۱۱. قائمی، مرتضی؛ محقق، فاطمه (۱۳۹۰)، بینامتنی قرآنی در مقامات ناصیف یازجی، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره پنجم، صص ۵۱-۵۹.
۱۲. کیوان، عبدالعاطی (۱۹۹۸م)، التناسل القرآنی فی شعر امل دتقل، القاہرہ: مکتبہ النهضہ المصریہ.
۱۳. گراہام، آلن (۱۳۸۰)، بینامتنیت، ترجمہ: پیام‌یزدانجو، تہران: نشر مرکز.
۱۴. مجاہد، احمد (۲۰۰۶م)، اشکال التناسل الشعری، مصر: الہیئہ المصریہ.
۱۵. مسبوق، سید مہدی (۱۳۹۲)، روابط بینامتنی قرآن با خطبہ‌های نہج البلاغہ، دو فصلنامہ علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزہراء، سال دہم، شمارہ ۲، پیاپی ۲۲، صص ۲۲۴-۲۰۵.
۱۶. ملا باشی شیرازی، محمدباقرین محمد (۱۴۲۵ق)، لوامع الانوار العرشیہ فی شرح الصحیفہ السجادیہ، تہران: الزہراء.
۱۷. میرزایی، فرامرز؛ واحدی، ماشاء اللہ (۱۳۸۸)، روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر، نشریہ دانشکدہ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شہید باہنر کرمان، شمارہ ۲۵، صص ۳۲۲-۲۹۹.
۱۸. نامور مطلق، بہمن (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت، تہران: سخن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی